

بررسی انتقادی کتاب از بحران تا فروپاشی، کندوکاوی در ماندگاری یا فروپاشی نظام‌های سیاسی

ابراهیم طاهری*

چکیده

امواج انقلابی همواره به عنوان یک چالش علیه نظام‌های سیاسی عمل کرده است. اوج این انقلابات در قرن بیستم بود. در قرن ۲۱ نیز انقلابات به یک چالش جدی علیه نظام‌های سیاسی منطقه خاورمیانه تبدیل شد. برای تبیین چرایی و چگونگی وقوع انقلاب، تئوری‌ها و مدل‌های عام انقلاب از سوی اندیشمندان علوم سیاسی ارائه شده است. این امر به ویژه نزد جامعه‌شناسان انقلاب امری رایج است. حسین بشیریه، استاد سابق دانشگاه تهران با حوزه تخصصی جامعه‌شناسی سیاسی، سعی در ارائه مدل‌های عام تحلیلی در این رابطه دارد. کتاب از بحران تا فروپاشی: کندوکاوی در ماندگاری یا آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی وی با این رویکرد به رشته تحریر در آمده است که در این پژوهش مورد بررسی و نقد قرار خواهد گرفت. در این راستا در مقدمه کلیاتی در مورد اثر و نویسنده ارائه خواهد شد، سپس در مبحث دوم در دو محور جداگانه به بررسی امتیازات شکلی و محتوایی اثر و نهایتاً در مبحث سوم با رویکردی انتقادی کاستی‌های شکلی و محتوایی کتاب مورد اشاره قرار می‌گیرد و نتیجه‌گیری بخش پایانی این نوشتار را به خود اختصاص می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: بحران، فروپاشی، ماندگاری، نظام‌های سیاسی، انقلاب.

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه یزد، etaheri@yazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰

۱. مقدمه

از نیمه دوم قرن ۱۸ و نیمه اول قرن ۱۹ تا کنون امواج انقلابی به چالشی جدی برای انواع مختلف نظام‌های سیاسی تبدیل شده است. اوج تغییرخواهی در قرن بیستم بود و البته در قرن ۲۱ نیز با وقوع نا آرامی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، بار دیگر این چالش نمایان شد. در موج شورش‌های مردمی که از سپتامبر ۲۰۱۰ میلادی بسیاری از کشورها را در بر گرفت هنوز در این منطقه راهبردی، فروکش نکرده است، به گونه‌ای که در نتیجه این حوادث امروز در کشورهایی همچون لیبی، یمن، سوریه و بحرین، نظام سیاسی در تلاش برای حفظ خویش در عین رقابت میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای نفوذ در هریک از این کشورها می‌باشد. وقوع تحولی به این فراگیری، باعث تعجب همه از جمله اندیشمندان علوم انسانی شده است و هرکس به فراخور رشته تخصصی‌اش، تلاش کرده تحولات مذکور را تحلیل کند با این وجود در مورد ریشه‌های این انقلابات اختلاف نظر جدی وجود دارد. مهمترین دلیل سردرگمی ناشی از دلایل وقوع انقلاب بود. ریشه‌های این انقلابات، در دلایلی همچون، دمکراتیزاسیون، تلاش برای احیای ارزش‌های اصیل اسلامی به وسیله انقلابیون، بحران مالی و اقتصادی، مداخله خارجی خلاصه می‌شود. البته بنظر می‌رسد که همه اندیشمندان در تحلیل وقایع رخ داده دچار نوعی تک بعدی نگری شده و از ارائه تحلیل‌های جامع ناکام ماندند. برخی از تحلیل‌گران نیز تلاش کردند که مدل‌های خاصی را برای تحلیل وقایع مذکور بیرون کشیده و از آنها برای تحلیل وقایع مذکور استفاده کنند. برخی دیگر همچون حسین بشیریه با لحاظ رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی، به بررسی مقایسه‌ای دلایل وقوع انقلاب در کشورهای شمال آفریقا و عدم وقوع این پدیده در کشورهای دیگر از جمله اروپا و امریکای شمالی، در دوره زمانی بحران‌های مالی از جمله سال ۲۰۰۸ میلادی پرداخته‌اند.

۲. معرفی کلی اثر و نویسنده

حسین بشیریه دارای درجه دکتری تخصصی علوم سیاسی، گرایش نظریه سیاسی از دانشگاه لیورپول در سال ۱۹۸۲ م. است. او تا سال ۱۳۸۷ در دانشگاه تهران مشغول به تدریس بود اما از آن سال تاکنون در دانشگاه سیراکیوز نیویورک و در دانشکده علم سیاست مشغول به کار شده است. ایشان دارای تألیفات بسیاری در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی است. در حوزه انقلاب نیز کتاب وی تحت عنوان «انقلاب و بسیج سیاسی» در این رابطه قابل ذکر

است. البته کتاب وی تحت عنوان «گذار به مردم سالاری دینی»، به الگویی تحلیلی وی برای کتاب از بحران تا فروپاشی کندوکاوی در ماندگاری یا آسیب پذیری نظام های سیاسی تبدیل شده است.

کتاب از بحران تا فروپاشی کندوکاوی در ماندگاری یا آسیب پذیری نظام های سیاسی توسط نشر نگاه معاصر و در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. همانطوری که نویسنده در مقدمه اثر نیز اشاره کرده این اثر حاصل تدریس درس، انقلاب های خاورمیانه در دانشگاه سیراگوز بوده است. مدل تحلیلی مورد استفاده وی در این کتاب بر این اساس است که شرایط پیدایش و تفاوت در پیامدهای مختلف ناآرامی در کشورهای مختلف ناشی از برخورد دو دسته متغیر می باشد؛ چهار متغیر مربوط به دولت یعنی بحران مشروعیت، بحران کارآمدی، بحران وحدت درونی گروه حاکم و بحران در دستگاههای سلطه و سرکوب است. چهار متغیر مربوط به جنبش و بسیج انقلابی عبارتند از: حجم نارضایتی عمومی، سازماندهی، ایدئولوژی انقلابی و رهبری. این کتاب اثری نسبتاً جدید در ارتباط با چرایی وقوع انقلاب در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا و عدم وقوع این پدیده در کشورهای اروپایی از جمله اسپانیا، انگلستان و یونان و امریکای شمالی یعنی امریکا با استفاده از مدل تحلیلی ذکر شده می باشد. برای دستیابی به این هدف، نویسنده به طور کلی علاوه بر مقدمه، در دو بخش به طور کلی در ۱۲۰ صفحه تلاش کرده فرضیه خویش را اثبات کند.

نویسنده در مقدمه کتاب (۱۹-۹)، چهارچوب نظری پژوهش را مطرح کرده و با رویکردی قیاسی-استقرایی تلاش دارد مدل تحلیلی مورد نظر در کل کتاب را عملیاتی کند. در واقع در همان مقدمه چهارچوب نظری خویش را با ملاحظه رابطه میان نظام های سیاسی و جنبش های اعتراضی بیان می کند. از نظر نویسنده هر جا از یکسو حجم، سازمان، رهبری و برد جنبش اعتراضی محدود بود و دولت از پیش، با مشکل مشروعیت و قانونی بودن روبرو نبود یا دستگاه اداری توانایی لازم برای رسیدگی به بحران را داشته باشند یا شکاف در درون دستگاه سرکوب پدیدار نشد و وحدت درونی گروههای حاکم به واسطه بحران حفظ شد دولت ها ماندگار شدند. او این صورتبندی را برای برخی کشورهای غربی صادق می داند. از سوی دیگر در جاهایی که دولت از پیش درگیر بحران قانونیت و کارآمدی بود؛ بحران های اقتصادی نیز باعث تشدید این وضعیت می شد، که البته این امر خود وحدت درونی گروههای حاکم را نیز از بین می برد و از میزان وفاداری گروههای

نظامی و سرکوب می‌کاست، و جنبش‌های انقلابی از حیث بسیج، سازماندهی و بردارای حجم قابل ملاحظه‌ای می‌شوند، دولت از شکنندگی و آسیب‌پذیری بیشتری برخوردار خواهد بود و کار به فروپاشی رژیم می‌انجامد که البته این صورتبندی بر کشورهای چون مصر، لیبی و تونس صادق بود. مابین این دو وضعیت درجات گوناگونی از بحران، جنبش و واکنش وجود دارد که نمونه‌هایی از آنها را می‌توان در کشورهایی چون یونان و مراکش که نه تماماً آسیب‌پذیر و نه تماماً ماندگار بودند مشاهده کرد.

در بخش دوم (همان: ۵۳-۱۹)، نویسنده به طور موردی مدل استخراجی خویش در وضعیت بحرانی را در ارتباط با محور غربی یعنی امریکا، اسپانیا، انگلستان و یونان با لحاظ بحران مالی سال ۲۰۰۸ عملیاتی کند. این فصل خود به چهار بخش تقسیم می‌شود و در هر بخشی، بحران مالی ۲۰۰۸ و پیامد آن بر رابطه حکومت‌های امریکا، اسپانیا، انگلستان و یونان با جامعه‌شان را مورد بحث و بررسی قرار داده است. بشیریه در ارتباط با اروپا مدعی است که بحران از امریکا به سایر نقاط جهان از جمله این قاره سرایت کرد که البته در اروپا از سایر حوزه‌ها فراتر رفت و به بحران بدهی دولت‌ها منجر شد و سیاست ریاضت اقتصادی، با هدف جبران کسری بودجه باعث افزایش رکود، بیکاری و شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی و گسترش مبارزات طبقاتی در بخشی از جامعه اروپایی شد؛ این بحران خود را در حلقه‌های ضعیف‌تر اقتصاد اروپایی یعنی اسپانیا، انگلستان و یونان به شکل آشکارتری جامعه و حکومت را درگیر ساخت.

در مورد اسپانیا نویسنده اعتقاد دارد، بحران مالی باعث بیکاری ۳۶ درصدی جامعه در این کشور شد که البته با لحاظ افزایش قیمت‌ها و بالارفتن مالیات بر کالاهای مصرفی در قالب سیاست ریاضت اقتصادی، به جنبشی اثرگذار علیه ساختار حکومت تبدیل شد، اما نتوانست از یک جنبش اجتماعی و اعتراضی به جنبشی سیاسی و انقلابی تبدیل شود چرا که اهداف آن صرفاً اقتصادی بود و سردمداران جنبش علاقه‌ای به ایجاد ائتلاف با احزاب سیاسی نداشتند؛ در کنار دلایلی همچون زیرسوال نرفتن مشروعیت کلی حکومت از سوی اعضای جنبش، اگرچه در قالب موج دمکراسی دوم گاهی این هدف دنبال می‌شد، ناتوانی در ایجاد خدشه در وحدت سیاسی طبقه حاکم، برای مثال حزب اتحاد چپ؛ با آنکه یکی از سازمان‌های رهبری‌کننده جنبش بود اما به دنبال درگیری بین اعضای جنبش و دستگاه سرکوب با دولتی‌ها اظهار همدردی کرد و اعلام کرد که با هیچ‌یک از آنها نسبت سیاسی ندارد. همه این عوامل باعث فروکش کردن جنبش اعتراضی شد.

در انگلستان نیز جنبش به دلایلی به سرنوشتی چون سرنوشت جنبش اسپانیا دچار شد. به ویژه که دموکراسی انگلستان از ۱۶۸۸ تا کنون، روند رو به رشدی را طی کرده است. به رغم تداوم عنصر سطنتی، اشرافی و موروثنی گری، قدرت قانونگذاری در پارلمان به ویژه مجلس عوام متمرکز بوده و از آن زمان پادشاه یا ملکه قدرت مطلق را ندارند. به همین خاطر این ترکیب خاص نظام سیاسی، چالش عمده ای را نزد عامه مردم ایجاد نکرده است. تنها نقد به نظام سلطنتی در این کشور جمهوری خواهی بوده که این تمایل نیز بیشتر از سوی اعضای حزب کارگر مطرح می شود. بنابراین آماج حملات اعضای جنبش، کلیت نظام حزبی بود نه کلیت نظام سیاسی در انگلستان. در نتیجه هیچگاه یک اپوزیسیون ساختاری جدی در درون نظام سیاسی انگلستان شکل نگرفت؛ به طوری که اندیشمندان سیاسی بر اپوزیسیون داخلی انگلستان نام اپوزیسیون وفادار را نهاده اند. نقش خشونت و سرکوب خشونت آمیز پلیس، که برخی آنرا با حکومت مارگارت تاچر مقایسه کرده اند و اقدامات پلیس در مجرمانه تشخیص دادن اعمال جنبش، باعث شد در نظر سنجی که از سوی یک موسسه معتبر انجام شود ۷۵ درصد مردم نوع برخورد پلیس را مناسب و حتی در این رابطه با پلیس اظهار همدردی کنند. بنابراین در این کشور نیز جنبش اعتراضی نتوانست به جنبشی انقلابی تبدیل شود و در نهایت ناکام ماند.

نویسنده بخش دوم (همان: ۱۰۹-۶۵) کتاب را، به بحران اقتصادی و فروپاشی سیاسی در شمال آفریقا اختصاص داده است. بشیریه معتقد است تأثیر بحران اقتصادی بر کشورهای عرب صادرکننده نفت و دیگر کشورهای عربی متفاوت بوده است. به طوری که کشورهای صادر کننده طی بحران، موفق به جذب منابع مالی بیشتر به خاطر افزایش قیمت نفت شدند، این در حالی است که کشورهایی که صادرکننده نفت نبودند بخاطر کم شدن درآمدهای صادراتی و توریستی، توان بازپرداخت بدهی های شان را نداشتند؛ لیبی و سوریه بخاطر بسته بودن، کمتر آسیب دیدند، اما کشورهایی که به میزان بیشتری با اقتصاد جهانی پیوند خورده بودند، مثل کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس بیشتر آسیب را متحمل شدند. همه کشورها همچون غربی ها سیاست تزریق پول به بازار را در پیش گرفتند به ویژه پشتوانه مالی کشورهای ثروتمند در مهار کردن بحران موثر بود. از سوی دیگر ضعف سنت سیاسی، ضعف اپوزیسیون، و ساختار قدرت دولتی، باعث شد در این کشورها بحرانی رخ ندهد. با این وجود ایشان در ارتباط با شمال آفریقا به طور مفصل تر وارد بحث شده و به بررسی تأثیر بحران بر کشورهای همچون، تونس، مصر، لیبی و مراکش می پردازد. در مورد

تونس، مصر و لیبی بخاطر برهم خوردن تعادل میان نظام سیاسی و جنبش اعتراضی به نفع دومی، پدیده انقلاب رخ داد اما در مورد مراکش بخاطر اینکه پادشاه دست به مجموعه‌ای از اصلاحات زد و بخشی از اختیارات خود را به نخست وزیر منتخب مردم از طریق پارلمان واگذار کرد اعتراضات فروکش کرد. به بیانی دیگر در این کشور نظام سیاسی از پادشاهی مطلقه به سمت پادشاهی مشروطه تغییر منش داد و حاصل آن ماندگاری نظام سیاسی است.

۳. بیان امتیازات شکلی و محتوایی اثر

در این قسمت تلاش می شود به اختصار امتیازات شکلی و محتوایی اثر مورد کنکاش قرار گیرد.

۱.۳ امتیازات شکلی اثر

هر پژوهشی که به رشته تحریر در می آید دارای نقاط قوت محتوای و شکلی است. کتاب از بحران تا فروپاشی: کندوکاوی در ماندگاری یا آسیب پذیری نظام های سیاسی نیز از این قاعده مستثنی نیست. در ادامه به این نقاط قوت اشاره خواهد شد.

از جمله مهمترین نقاط قوت کتاب مورد بررسی از نظر شکلی، فهرست تفصیلی کتاب است که به خوبی محتوای اثر را بازتاب داده و با عنوان کتاب نیز هم خوانی دارد. به واقع نویسنده عنوان کتاب را به صورت کلی ذکر کرده و در فهرست به شاخص های خویش جنبه عینی تر داده و در این رابطه ذهن خواننده را آماده مرور کلی مطالب می کند. این کتاب همچنین دارای نمایه اشخاص و نمایه مربوط به نهادهای و سازمانهای سیاسی-اقتصادی در هریک از کشورهای ذکر شده و در عرصه بین المللی است که یکی از نقاط کلیدی و مهم کتاب است.

طرح جلد انتخاب شده بیانگر محتوای درونی کتاب است؛ به گونه ای که وضعیت اعتراضی و انقلابی را به نمایش می گذارد که توسط انواع اسکناس های با برند دلار یا یورو احاطه شده است. در واقع منظور نویسنده نیز ارائه این درک خوانندگان بوده که بحران های مالی (اسکناس ها با برندهای مختلف)، می تواند به بحران های سیاسی (تصویر جمعیت در حال اعتراض) منجر شود.

از دیگر ویژگی های برجسته و ظاهری این کتاب داشتن فصول مجزا از هم است که به صورت مقایسه ای درکی کلی از نوع برخورد نظام های سیاسی در غرب و خاورمیانه، نسبت به بحران هایی مالی که با آن روبرو می شوند ارائه می دهد. به عبارتی نویسنده دو بخش جداگانه دارد؛ در هر بخش چهار کشور را مورد بررسی قرار داده است که به خوبی بررسی مقایسه ای در این مورد صورت گرفته و نقاط اختلاف دو منطقه را به خوبی در معرض نمایش داده است.

داشتن صفحه بندی متناسب، به گونه ای که خواننده حین خواندن صفحه احساس خستگی به او دست ندهد، همراه بیان سلیس، روان و کمی ایرادات ویرایشی و نگارشی به کتاب، جذابیت منحصر به فردی اعطا کرده است؛ کم بودن اغلاط املائی در کتاب به گونه ای است که به ندرت می توان در آن ایرادات نوشتاری به ویژه از نظر لغوی پیدا کرد. و در نهایت بایستی خاطر نشان کرد، حجم اندک کتاب (گرچه می تواند به عنوان یک نقطه ضعف در نظر گرفته شود)، یک نقطه قوت شکلی آن محسوب می شود؛ به خصوص که باعث شده، نویسنده از بیان مطالب اضافی خودداری کرده و خواننده با توجه به هدفی که دنبال می کند زودتر به سمت هدف مورد نظرش رهنمون کند. به واقع موجز نویسی یکی از نقاط قوتی است که کمتر در جامعه علمی ایران مورد توجه قرار گرفته است.

۲.۳ امتیازات محتوایی

آنچه این اثر را همچون سایر نوشته های نویسنده یک اثر متمایز کرده است در کنار امتیازات شکلی، امتیازات محتوایی پژوهش ایشان است. از مهمترین امتیازات محتوایی کتاب این است که نویسنده آنرا در ادامه نظریات سابق اش البته با کمی اصلاح و کم و زیاد کردن ها، روی کاغذ آورده است. در کتاب، «زمینه های اجتماعی انقلاب ایران»، بشیریه بر تقابل میان دو طبقه بورژوازی و کارگر در وقوع انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ ه.ش. اشاره می کند جایی که بورژوازی جدید از حق رأی طبقه تحصیل کرده حمایت می کند و دولت مطلقه پهلوی دوم از اصلاحات ساختاری در اقتصاد و سیاست سر باز می زند (بشیریه، ۱۳۹۴: ۳۵). همچنین در کتاب، انقلاب و بسیج سیاسی، که در هفتاد ه.ش. به رشته تحریر در آورده، انقلاب را حاصل عدم توازن میان نیروهای طرفدار وضع موجود و مخالفین وضع موجود قلمداد می کند. در مورد عوامل شکل دهنده به انقلاب نیز به همان عواملی اشاره می کند که نزدیک به سه دهه قبل به آنها در کتاب بسیج سیاسی و انقلاب اشاره می

کند. برای مثال، مورد عوامل شکل دهنده به انقلاب، نارضایتی اجتماعی، پیدایش گروه‌های بسیج گر، ناتوانی قوای سرکوب گر دولت و تلاش برای ایجاد ساخت جدید قدرت را ذکر می‌کند (بشیریه، ۱۳۷۲). نویسنده با نگاهی جامع تلاش کرده است همه نظریه‌های انقلاب را با هم ترکیب کند و از این طریق، چهارچوب نظری و مفهومی پژوهش خویش را استخراج کند (ملکوئیان، بقایی و نیری، ۱۳۹۱). در این راستا بنظر می‌رسد برای دستیابی به هدف خویش نظریه‌های روانشناختی انقلاب، بسیج توده‌ای، کارکردگرایی و حتی مارکسیستی را ترکیب کرده و نظریه‌های جامع برای تبیین ماندگاری با فروپاشی نظام‌های سیاسی در شرایط بحران ارائه دهد. دیگر امتیازات محتوایی اثر، می‌توان به نو بودن موضوع انتخابی نویسنده اشاره کرد. هر کسی که قصد داشته باشد درکی کلی از تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه بعد از حوادث ۲۰۱۱ م. به دست آورد این کتاب او را به خواندن ترغیب می‌کند. به خصوص که نویسنده با بررسی مقایسه‌ای کشورهای، تلاش کرده ریشه‌های سقوط نظام‌های سیاسی در شمال آفریقا و ماندگاری این نظام‌ها در آمریکا و سه کشور اروپایی را به عنوان فرضیه پژوهش خویش به اثبات برساند. به خصوص که در این رابطه تاکنون کتابی با رویکرد جامعه‌شناسی انقلاب، به رشته تحریر در نیامده است.

تلاش نویسنده برای ارائه نظریه و مدلی تحلیلی برای وقوع ناآرامی در کشورهای مختلف، از دیگر نقاط قوت این پژوهش است. این پژوهش با اینکه از حجم اندکی برخوردار است اما به خوبی مدلی را تحلیل و پیش‌بینی تحولات در کشورهای مختلف ارائه داده که البته در مورد خاورمیانه و شمال آفریقا نیز کاربرد دارد. این امر نشان از خلاقیت نویسنده دارد. در واقع مدلی که ایشان ارائه کرده اند می‌تواند بین حوزه‌های نظری و عملی ارتباط برقرار کند. مدل طراحی شده از سوی نویسنده به افزایش دانش در چارچوب عملی می‌انجامد و پژوهش را به سمت پژوهش‌های مهم رهنمون می‌کند، از حوزه انتزاع و غیرکاربردی بودن فاصله می‌گیرد، از قابلیت آزمون و خطا برخوردار است (دانایی فرد، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۱۰۰).

این اثر دارای انسجام محتوایی است به گونه‌ای که نویسنده توانسته براساس چارچوب نظری که مد نظر داشته به صورت موردی در کشورهای مختلف، فرضیه خویش را عملیاتی کند. برای این منظور ابتدا وضعیت کلی اقتصادی در این کشورها را با رویکرد بحران مالی باز کرده، سپس در بخشی دیگر، ظرفیت‌ها و توان دولت را مورد تحلیل قرار داده و در

آخر به ظرفیت و توان جنبش اشاره کرده که به خوبی بیانگر درک نویسنده برای ارتباط مسائل با یکدیگر به منظور دستیابی به نتیجه گیری های منطقی است.

از دیگر نقاط قوت محتوایی کتاب، حاکم بودن رویکرد بین رشته ای بر آن است به گونه ای که نویسنده با ترکیب مفاهیم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حتی گاه ها تاریخی تحلیلی مبتنی بر واقعیتی را در ارتباط با وقوع انقلاب در کشورهای منطقه شمال آفریقا و عدم وقوع این پدیده در کشورهای غربی از جمله امریکا و انگلستان ارائه داده است. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می شود که بدانیم یکی از ابزارهایی که می تواند در رشد و توسعه تمامی علوم، به ویژه علوم انسانی ایفای نقش کند، توسعه مطالعات میان رشته ای است که می تواند به کاربردی تر شدن علوم انسانی به طور عام و علوم سیاسی به طور خاص منجر شود (قاسمی و میبدی، ۱۳۹۴: ۱). در کلیت کتاب تلاش شده است گذار به دموکراسی که از سال ۱۳۸۵ بر آن تاکید شده است مورد توجه قرار گیرد. بشیریه در مقاله ای با عنوان «گذر بر دموکراسی از چشم انداز بسیج سیاسی»، وضعیت گذار را متضمن تحکیم رژیم حاکم از یک سو و احتمال پیدایش رژیم دموکراتیک از سوی دیگر تعریف کرده است. در این وضعیت حتی ممکن است یک رژیم به رژیم دیگر تغییر کند و در نهایت کشمکش میان رژیم حاکم و اپوزسیون ممکن است به پیروزی یکی یا دیگری بینجامد و رژیم به سمت دموکراسی سوق پیدا کند یا رژیم غیر دموکراتیک به فعالیت خود ادامه دهد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۴۸-۴۷). همچنین در کتاب از بحران تا فروپاشی، نقش نخبگان حاکم خیلی مورد توجه قرار گرفته همانطوری که در گذشته نیز بشیریه در مقاله ای با عنوان «نقش نخبگان در گذار به دموکراسی»، بر این اعتقاد است که نخبگان هستند که جامعه را به سمت دموکراتیزاسیون سوق می دهند و در این رابطه تجربه تاریخی اسپانیا را مثال می زند (بشیریه، ۱۳۸۳)؛ به همین ترتیب او اعتقاد دارد که جامعه توده ای در ابتدا ممکن است دست به اصلاحاتی با هدف دموکراتیزاسیون بزند اما براین کار آنها، شکل گیری رژیم های مبتنی بر استبداد و شبه دیکتاتوری است. به همین خاطر هم در کتاب نقش نخبگان مراکشی، برای انتقال جامعه از پادشاهی مطلقه به پادشاهی مشروطه را مورد تأیید قرار می دهد.

ویژگی مهم این کتاب روش پژوهش دقیق و عینی آن است؛ نویسنده ابتدا سوال خویش را مطرح کرده، در گام بعد در پاسخ به سوال فرضیه پژوهش و در نهایت شاخص های مربوط به متغیر مستقل خویش را بیرون کشیده و با ارائه آمارهایی فرضیه خویش را به

اثبات برساند؛ نویسنده در قالب استقراء از مشاهده به فرضیه و سپس از فرضیه به استنباط منطقی دست پیدا کرده و پیامدهایی را که در صورت درست بودن رابطه فرض شده پیش خواهد آمد قیاس کرده است.

۴. بیان کاستی‌های شکلی و محتوایی اثر

هدف از نقد در هر پژوهی بیان نقاط قوت و ضعف آن است که در بخش قبل به نقاط قوت شکلی و محتوایی اثر پرداخته شد و در این بخش به صورت مختصر به نقاط ضعف شکلی و محتوایی آن پرداخته می‌شود. در ادامه برخی از نقاط ضعف شکلی پژوهش تألیفی حسین بشیریه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱.۴ کاستی‌های شکلی

یکی از ایرادات مهم شکلی این پژوهش، این است که نویسنده در بخش‌های زیادی از آن به جای «و» می‌بایست از علامت کاما استفاده کند که معمولاً این امر را رعایت نکرده است. برای مثال در صفحه ده کتاب در آخرین پاراگراف آورده است: «براساس نظریه بالا هر جا از یک سو حجم و سازمان و رهبری و برد جنبش اعتراضی محدود بود» (همان: ۱۰). این در حالی است که بایستی می‌نوشت براساس نظریه بالا هر جا از یک سو حجم، سازماندهی، رهبری و برد جنبش اعتراضی محدود بود. در ادامه و در جدول شماره ۲ مواردی که در این رابطه نویسنده دچار اشتباه شده است در ادامه آمده است.

جدول ۲. استفاده از «و» در جایی که «،» ضروری است

ص ۱۸، بند ۲، خط ۳	مشروعیت و کارایی و سلطه و...	مشروعیت، کارایی، سلطه و وحدت
ص ۴۰، بند ۱، خط ۱	ضدشورش، کاربرد خشونت و	ضد شورش، کاربرد خشونت و..
ص ۴۷، بند ۱، خط ۱	حجم و وزن و گرایش و ایدئولوژی	حجم، وزن، گرایش و ایدئولوژی
ص ۴۸، بند ۱، خط ۴	منظم و صلح آمیز و قانونی	منظم، صلح آمیز و قانونی
ص ۴۹، بند ۲، خط ۵	سلطنتی و اشرافی و موروئی	سلطنتی، اشرافی و موروئی
ص ۵۱، بند ۲، خط ۶	اموال و منازل و فروشگاهها	اموال، منازل و فروشگاهها
ص ۵۶، بند ۲، خط ۳	کارگری و فعالان و اعضای..	کارگری، فعالان و اعضای
ص ۷۷، بند ۲، خط ۱۰	خشونت و چپاول و غارت و فرار	خشونت، چپاول، غارت و فرار
ص ۷۸، بند ۱، خط ۲	حجم و توان و تداوم و نیز شکاف	حجم، توان، تداوم و شکاف

ص ۸۵، بند ۲، خط ۱	سرکوب و وعده سازش و اصلاح	سرکوب، وعده سازش و اصلاح
ص ۸۷، بند ۱، خط ۲	لیبرال و دمکرات و ناسیونالیست	لیبرال، دمکرات و ناسیونالیست
ص ۹۶، بند ۲، خط ۳	آموزش و بهداشت و خدمات	آموزش، بهداشت و خدمات
ص ۹۷، بند ۱، خط ۱	بسیج و سازماندهی و رهبری	بسیج، سازماندهی و رهبری
ص ۱۰۷، بند ۲، خط ۳	تونس و مصر و لیبی	تونس، مصر و لیبی
ص ۱۰۸، بند ۲، خط ۳	پارلمان و احزاب و آزادی انتخابات	پارلمان، احزاب و آزادی انتخابات
ص ۱۰۸، بند ۳، خط ۱	مصر و تونس و لیبی	مصر، تونس و لیبی

یا نویسنده معمولاً در و طی را کنار هم آورده است که در ادبیات نوشتاری فارسی رایج نیست. هنگامی که از در استفاده می شود به کار بردن طی در کنار آن صحیح نیست و بالعکس. یا اینکه قبل از واو از نشانه کاما استفاده نمی شود اما نویسنده در جابجای متن از واو بعد کاما، استفاده کرده است برای نمونه در صفحه ۱۱ پاراگراف اول خط ۱۱، آورده «به وحدت درونی گروههای حاکمه و به وفاداری نیروهای نظامی و انتظامی آنها آسیب رسید، و نیز جنبش های انقلابی از حیث بسیج و سازماندهی و برد پر حجم تر بودند» (همان: ۱۱)، این در حالی است که بعد از کاما استفاده از «واو» یک ایراد ویرایشی است.

از دیگر نقاط ضعف شکلی کتاب این است که عنوان کتاب می تواند بررسی مقایسه ای آثار و پیامدهای بحران مالی بر فروپاشی یا ماندگاری نظام های سیاسی در خاورمیانه و اروپا باشد. هر نویسنده ای که متن کتاب را مطالعه کند بیشتر بر نقش بحران های مالی در فروپاشی و ماندگاری نظام های سیاسی پی می برد این در حالی است که وقتی عنوان کتاب مطالعه می شود کاری با رویکرد بیشتر نظری به ذهن متبادر می شود؛ با مطالعه کتاب بیشتر مسائل عینی در کتاب مطرح شده و از این نظر نقدی جدی بر کار وارد می شود، به طوری که با مروری بر کتاب به صورت خیلی اندکی مباحث نظری مطرح شده و بیشتر به صورت موردی در ارتباط با کشورهای خاص عملیاتی شده است.

از دیگر نقاط ضعف این کتاب، استفاده از منابع دسته دوم است به گونه ای که نویسنده برای ارائه اطلاعات آماری به مراکز آمار این کشورها و سایت های معتبر جهانی از جمله بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی مراجعه نکرده و از منابع ارائه شده توسط نویسندگان دیگر استفاده کرده است.

نویسنده در بحث های کتاب به منابع اینترنتی استناد داده است اما در بسیاری از موارد، لینک منبع مورد استفاده را به عنوان راهنمایی برای خوانندگان در فهرست منابع ذکر نکرده است. برای مثال از اطلاعات مربوط به فایننشال تایمز استفاده کرده اما صرفاً عنوان مطلب

مورد استفاده و تاریخ را ذکر کرده است (همان: ۱۱۵). یا گاهی اسم سایتی برای مثال بی بی سی را آورده (همان: ۱۱۵)، ولی عنوان مطلب مورد استفاده را ذکر نکرده است. در منابع و مأخذ نهایی، نویسنده مطالب برگرفته از کتاب، مقاله و سایت های مرجع اینترنتی را از هم جدا نکرده که خود می تواند به آشفتگی ذهنی خوانندگان منجر شود، این در حالی است که نویسنده می توانست با جدا کردن منابع برگرفته از کتاب، مقاله و منابع اینترنتی می توانست به دسترسی آسان خوانندگان به منابع کمک کند.

غلط های املایی و دستوری کمی در میان واژگان متن دیده می شود که انتظار می رود در چاپ های بعدی کتاب اصلاح شود. در جدول شماره ۱ برخی از این اغلاط همراه با شکل صحیح پیشنهادی آن آورده شده است. نویسنده می توانست به جای واژه های زیر از واژه هایی که درستون دیگر جدول آمده استفاده کند و این کار به نوشتار بهتر متن کمک می کند.

جدول ۱. جدول واژگان و عبارات نادرست

نشانی	واژه با کاربرد غلط	واژه با کاربرد صحیح
ص ۱۰، بند ۴، خط ۴	موجود	موجودیت
ص ۲۰، خط ۷	می نمودند	می کردند
ص ۲۴، بند ۲، خط ۶	در بین	میان
ص ۲۶، بند ۲، خط ۴	گردآوری	گردآوری
ص ۲۶، بند ۲، خط ۹	سپتل	سیاتل
ص ۲۶، بند ۳، خط ۱	در جمع	به طور خلاصه
ص ۳۲، بند ۱، خط ۴	در بین	در
ص ۳۳، بند ۳، خط ۱	در طی	طی
ص ۴۸، بند ۲، خط ۲	سرکوبی	سرکوب
ص ۴۶، بند ۱، خط ۲	فرجام خواهی	فرجام خواهی
ص ۷۰، بند ۲، خط ۵	خشک سالی	خشکسالی
ص ۷۷، بند ۲، خط ۲	دولت موقتی	دولت موقت
ص ۸۳، بند ۱، خط ۱	نارضایی	نارضایتی
ص ۸۳، بند ۲، خط ۳	اینترنت	شبکه های مجازی
ص ۸۶، بند ۳، خط ۳	اسلام گرای گوناگونی	اسلام گرای گوناگون
ص ۹۵، بند ۱، خط ۲	دمکراسی بلاواسطه	دمکراسی مستقیم

ص ۹۵، بند ۴، خط ۵	از	درباره
ص ۹۵، بند ۵، خط ۱	سکولاریسم	سکولاریسم
ص ۹۷، بند ۲، خط ۱	فوریه ۲۰۱۹	فوریه ۲۰۱۱

از دیگر ایرادات شکلی کتاب، این است که نویسنده در جاهایی از کتاب، واژه هایی را به صورت پشت سر هم آورده که تکرار آنها در یک متن فارسی آنهم به صورت بلافاصله رایج نیست. برای مثال در ص ۴۹، بند ۳، خط ۷، دو واژه سپس و پس، ص ۵۳، بند ۲، خط ۳، در آغاز، در اوایل ۲۰۰۶، ص ۸۳، بند ۳، خط ۳ و ۴، در جلوه های گوناگونی در قالب اعتراضات از این موارد است که البته می تواند ناشی از ترجمه ناقص اثر باشد.

از دیگر نقاط ضعف کتاب، این است که نویسنده به تحلیل تحولات مربوط به جهان عرب مبادرت ورزیده است اما حتی یک مورد از منابع مورد استفاده در پژوهش اش نیز به زبان عربی نیست و همه منابعی که استفاده کرده به زبان انگلیسی است.

و در نهایت اینکه، نتیجه گیری کتاب خیلی محدود است و نویسنده به دو صفحه برای نتیجه گیری کتاب بسنده کرده است. این در حالی است که نویسنده می توانست به صورت مقایسه ای، پیامدهای متفاوت بحران مالی، بر کشورهای منطقه شمال آفریقا، اروپا به علاوه امریکا را مورد توجه قرار دهد.

۲.۴ کاستی های محتوایی کتاب

این اثر در کنار اشکالات شکلی، دارای ایرادات محتوایی است که البته شاید از منظر دیگران خیلی به این کتاب وارد نباشد. با این وجود به چند مورد از کاستی های محتوایی اشاره خواهد شد.

۱.۲.۴ کم توجهی به ادبیات نظری پژوهش

نویسنده به صورت خیلی محدودی به ادبیات نظری پژوهش پرداخته است؛ در قالب مقدمه ای کوتاه و یادداشت کم حجمی، به مباحث نظری پژوهش ورود کرده است، این در حالی است که نویسنده می توانست فصلی جداگانه را به رابطه میان جنبش های اعتراضی و نظام های سیاسی اختصاص دهد. همین امر باعث می شود، قابلیت ارائه به عنوان درس دو واحدی دانشگاهی را نداشته باشد. در واقع کتاب دارای ضعف بنیان های نظری است و بنظر نویسنده در این مورد که کتاب را برای جامعه دانشگاهی به رشته تحریر

در آورده یا برای جامعه سیاست گذاری، دچار نوعی سردرگمی است. این کتاب بیشتر به پایان نامه های مقاطع تحصیلات تکمیلی می ماند که در آن برای اثبات فرضیه، نویسنده چهارچوب نظری را مطرح کرده و براساس آن چهارچوب نظری تلاش کرده با ارائه موارد متعدد ادعای خویش را اثبات کند. در واقع نویسنده می توانست در قسمتی با عنوان ادبیات پژوهش و مباحث مربوط به تحلیل رابطه دولت و جنبش های سیاسی مباحث نظری را ذکر کند و آنها را دسته بندی نماید؛ قاعدتا نویسنده می بایست به صورت مفصل و مجزا به این مسئله می پرداخت تا نو بودن پژوهش خویش با هدف رفع خلاء ادبی و نظری برای خوانندگان را تبیین کند. به عبارتی نویسنده بایستی در قالب فصل کلیات، ادبیات پژوهش را مورد توجه قرار می داد و نقاط قوت و ضعف هریک از منابع را بیان می کرد تا در روشن کردن هدف پژوهش به نویسنده کمک کند؛ با این شیوه قادر بود هم خلاء نظری در ارتباط با ادبیات پژوهش را پر نماید و هم با دیدی انتقادی هدف پژوهش خود را به صورتی آگاهانه تر دنبال کند.

۲.۲.۴ توجه بیش از حد به عامل بحران اقتصادی و بی توجهی به سایر عوامل

اگرچه نویسنده در کل کتاب سعی در ارائه تحلیلی واقع بینانه از تحولات کشورهای مورد بررسی دارد، اما بنظر می رسد بیشتر بر عامل بحران اقتصادی و مالی به عنوان عامل شروع بحران پرداخته است. مثلاً در صفحه اول مقدمه، در پاراگراف اول می آورد؛ «سال ۲۰۰۸ م، نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی جهان بوده است. با آغاز بحران مالی در آن سال، فصل تازه ای در مبارزات اجتماعی و طبقاتی و رودرویی میان نیروهای اجتماعی و دولت ها در کشورهای بسیاری گشوده شد. بر طبق قوانین عام فرایند پویش نظام اقتصادی جهانی برای چندمین بار بحران مالی و اقتصادی گسترده ای دامنگیر بیشتر کشورها می شد» (بشیریه، ۱۳۹۴: ۹). ایشان ادعا می کنند که نظام سرمایه داری با بحران های دائم روبرو می شود که برای فرار از این وضعیت دست به سیاست ریاضت اقتصادی می زند که این سیاست معمولاً به ضرر طبقات پایین و به نفع طبقات بالا می باشد. در حالی که این گفتارها نشان می دهد که نویسنده به نوعی ناقد نگاه سرمایه دارانه است که در جاهای مختلف کتاب از دمکراسی به عنوان محصول نظام سرمایه داری تمجید می کند و این امر، حاصل نوعی تناقض در افکار نویسنده است. این در حالی است که عامل شروع بحران در نظام های سیاسی می تواند سیاسی، اقتصادی و حتی اجتماعی-فرهنگی یا مجموعه ای از این عوامل

در کنار هم باشد. لزوماً عامل اقتصاد نمی تواند تبیین گر رابطه دولت و جنبش های سیاسی باشد. از طرفی برای تحلیل عملکرد نظام های سیاسی، رویکرد سیستمی به خوبی می تواند راهگشا باشد. در این قالب هریک از بخش های سیستم بخشی از وظایف محول شده را انجام می دهند؛ در حالی که وظیفه بخش اقتصادی، تأمین نیازهای رفاهی شهروندان است، وظیفه بخش اجتماعی-فرهنگی بیان دستاوردهای نظام به گونه ای است که آن را مشروع جلوه دهد؛ به عبارتی وظیفه این بخش ایجاد مشروعیت برای آن نظام است؛ وظیفه بخش حقوقی-سیاسی نظارت بر دیگر بخش ها، به منظور عملکرد بهتر آنها می باشد و در نهایت وظیفه بخش نظامی تأمین امنیت شهروندان است. هر نظامی که در تأمین هریک از این کارویژه ها با ناکارایی روبرو شود، ممکن است به سمت بحران و فروپاشی سوق داده شود. هر نظامی، از طریق این کارویژه هایش، با محیط خویش در ارتباط است؛ در صورتی که تقاضایی از سیستم از سوی محیط پیرامونی صورت گیرد و سیستم به خوبی کالاهای مورد درخواست آنها را را عرضه نکند با مشکل روبرو می شود (قوام، ۱۳۹۲: ۴۰-۳۵). از جهتی دیگر در بررسی مقایسه ای نظام های سیاسی در اروپا-آمریکا و خاورمیانه و شمال آفریقا، بایستی به مطلبی توجه کرد؛ در صورتی که تحلیل نویسنده از تحولات منطقه را بپذیریم بایستی بدانیم در اروپا و آمریکا ابتدا یک طبقه اقتصادی روی کار آمد که این طبقه، با هدف پیشبرد منافع خود شروع به مفهوم سازی در بخش های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی کرد. در بخش اقتصادی، مفهوم بازار آزاد را به وجود آوردند، در بخش سیاسی، مفهوم دموکراسی را ایجاد کردند و در بخش اجتماعی-فرهنگی، مفهوم شهروند را به وجود آوردند. همه این تحولات در کنار هم، باعث به وجود آمدن نظام های سیاسی پایدار در این مناطق شده است. این در حالی است که در ارتباط با خاورمیانه و شمال آفریقا چنین تحولاتی رخ نداده و فرایند دولت-ملت سازی، از بیرون توسط قدرت های اروپایی از جمله انگلستان و فرانسه به ویژه در قالب موافقت نامه سایکس - پیکو به کشورهای منطقه تحمیل شد (مرادزاده و شاکری خوئی، ۱۳۹۴؛ ۱۲۴). حاصل این تحولات، نقش طبقه نظامی در تحولات رخ داده در منطقه بوده است. این طبقه مایل به ایجاد تحولات در سه حوزه فوق الذکر نیست، چرا که باعث از دست رفتن کنترل آنها در حوزه های سیاسی و اقتصادی می شود. برای مثال در مصر، اگرچه اخوان المسلمین موفق به انقلاب شد و بعد از چندین دهه قدرت را به دست گرفت، اما نادیده گرفتن نقش نظامیان و ارتشی ها، در سیاست باعث شد که بار دیگر همین گروه قدرت را به دست گیرند. از طرفی دیگر

خاورمیانه همچنان در مرحله پارادایم امنیتی است، همین امر باعث قدرتمندی طبقه نظامیان شده است. این در حالی است که در اروپا و آمریکا، جامعه از پارادایم رفاهی هم عبور کرده و وارد پارادایم احترام و منزلت شده است. بنابراین سنخ تحولات در جامعه اروپایی با سنخ تحولات در خاورمیانه متفاوت از هم است و ارائه مدل‌های عامی که قادر به تحلیل تحولات در همه نقاط جهان باشد تقریباً غیرممکن است.

۳.۲.۴ عدم دقت لازم در کاربرد واژه‌ها و مزیت جدول

از دیگر ایرادات محتوایی کتاب این است که نویسنده در جاهایی، از دو وضعیت آسیب‌پذیری و ماندگاری، سخن به میان می‌آورد (بشیریه، ۱۳۹۴: ۱۲). این در حالی است که بنظر واژه آسیب‌پذیری، بیشتر بیانگر وضعیتی است که حتی نظام‌های که در آخر ماندگار می‌شوند نیز ممکن است دچار آن شوند، بنابراین نویسنده در برابر واژه ماندگاری، بایستی واژه ای دقیق‌تر را به کار برد. بنابراین در برابر واژه ماندگاری واژه فروپاشی صرف را به کار می‌برد نه همراه با آسیب‌پذیری را. به همین ترتیب برخی کشورها همانطوری که طرح شد با اصلاحاتی که انجام می‌دهند ماندگار می‌شوند و این کشورها وضعیت نهایی سوم هستند؛ در این مورد یونان و مراکش، قابل ذکر هستند. بنابراین واژه‌های دقیق‌تری بایستی آورده شود تا آنچه را که اتفاق افتاده است به خوبی بیانگر باشد، برای مثال می‌توانست ماندگاری همراه با اصلاح نظام سیاسی را در مورد مراکش به کار برد.

یکی دیگر از نقاط ضعف پژوهش مورد نقد این است که نویسنده مزیت جدول را فراموش کرده است. این امر به ویژه در جایی که آمارهای گوناگون در متن ارائه می‌شود می‌تواند باعث ابهام و حتی گیج شدن خوانندگان سطور شود. برای مثال در صفحاتی از کتاب آمارهایی ارائه شده که البته گاهی باعث سردرگمی خواننده مطلب می‌شود. برای مقابله با این وضعیت، نویسنده بهتر بود با ارائه جداول و نمودارهایی، تفاوت در وضعیت‌ها را به خواننده نشان داده و از سردرگمی وی جلوگیری به عمل آورد. برای مثال در صفحات ۲۳، ۳۲ و ۳۳، ۴۶ و ۴۷، ۵۵ و ۵۶، ۷۱ و ۷۲، ۷۷ و ۷۸، ۸۱ و ۸۲، ۹۲ و حتی ۱۰۴ و ۱۰۴، می‌توانست با ارائه جداول و نمودارهای آماری، درک بیشتر خوانندگان را فراهم آورد.

۴.۲.۴ وجود استدلال های متناقض در کتاب

در بخش هایی از متن نویسنده دچار تناقض می شود. برای مثال در بررسی موردی مربوط به تونس مدعی می شود:

تونس تحت حکومت زین العابدین بن علی با اروپا و آمریکا، روابط سیاسی و اقتصادی محکمی داشت، به نحوی که وقتی جنبش اعتراضی آغاز شد، حمایت آشکاری از سوی غرب صورت نگرفت و حتی دولت آمریکا اعلام داشت که در کشمکش های داخلی تونس از هیچ جناحی حمایت نخواهد کرد (بشیریه، ۱۳۹۴: ۷۱).

تناقض در این نوشته کاملاً روشن است؛ از یک طرف مدعی شده اند؛ حکومت زین العابدین پیوندهای سیاسی و اقتصادی و سیاسی با غرب های داشت؛ از طرف دیگر مدعی می شود آمریکا از این کشور حمایتی به عمل نیاورد.

در جایی دیگر نویسنده مدعی می شود «در مراکش برخلاف تونس، مصر و لیبی، تأکید جنبش اعتراضی بر خواسته های اقتصادی بود، نه بر تقاضای سیاسی برای تغییر رژیم». این در حالی است که در ادامه مطلب می آورد؛ «در ۲۰ فوریه هزاران نفر با بسیج از طریق اینترنت، در رباط راهپیمایی کردند و خواستار قانون اساسی جدید و آزادی های مدنی شدند» (همان: ۱۰۴). برآیند کار هم نشان می دهد که سلطان با تغییر قانون اساسی بخش زیادی از اختیارات خود را به نخست وزیر اعطاء کرد و نخست وزیر رئیس دولت و رئیس قوه مجریه شد و به جای پادشاه، حق انحلال پارلمان را نیز به دست آورد، البته سلطان به عنوان فرمانده کل قوا و بالاترین مقام مذهبی کشور باقی می ماند (همان: ۱۰۶). با این تحولات بنظر نظام سیاسی کشور از پادشاهی مطلقه به پادشاهی مشروطه تغییر شکل داد که این امر نشان از وقوع تحولی انقلابی در این کشور دارد. نویسنده در بخش دیگری از کتاب، این فرض را مطرح می کند: «اقتصاد کشورهایی مثل لیبی بخاطر بسته بودن اقتصادشان مصون از بحران ماند» (همان: ۶۵). در حالی که اقتصاد لیبی بسته بود اما از بحران مصون نمایند. حتی بر اساس استدلال نویسنده که مدعی است «وضع در مورد کشورهای غیرنفتی بسیار وخیم تر شد، زیرا در شرایط بحرانی بسیاری از آن ها توانایی بازپرداخت بدهی های بین المللی خود را از دست دادند» (همان: ۶۷)، باز این مسئله در مورد لیبی صدق نمی کند چرا که لیبی، کشور غیرنفتی نبود و شدیداً وابسته به درآمدهای نفتی پس چرا به سمت بحران رفت.

۵. نتیجه‌گیری

اگر به صورت عینی، به فضای تحلیل در جامعه دانشگاهی ایران بنگریم خواهیم دید که بخش اندکی از این جامعه تلاش می‌کنند مدل‌هایی را ارائه دهد که مبتنی هم‌قادر به تحلیل هستند و هم‌قادر به پیش‌بینی هستند، به بیانی دیگر نویسنده تولید را بر مصرف‌گرایی که جامعه دانشگاهی ایران تا حدودی گرفتار آن است ترجیح داده است اگرچه تا حدودی، مدل ارائه شده توسط وی بیشتر تحت تأثیر نظریات ایشان در دهه‌های قبل، از جمله کتاب «انقلاب و بسیج سیاسی» و «گذار به مردم‌سالاری»، قرار دارد. با این وجود، در این اثر بشیریه تلاش کرده بر نقش بحران‌های مالی در فروپاشی حکومت‌ها تأکید ورزد. نویسنده نقطه شروع بی‌ثباتی در نظام‌های سیاسی را عنصر اقتصاد درک می‌کند. البته این امر تا حدودی به واقعیت نزدیک است اما در علوم انسانی به طور عام و علوم سیاسی به طور خاص نمی‌توان نقطه آغاز و فروپاشی حکومت‌ها را یک عامل خاص دانست و این پدیده را به همه نظام‌های سیاسی، تعمیم داد. برای مثال ممکن است جامعه‌ای از نظر اقتصادی هم در فقر مطلق باشد اما از آنجایی که از نظر سیاسی دارای یک نظام دموکراتیک هستند به سمت بحران حرکت نکنند و برعکس کشورهایی وجود دارند که از نظر اقتصادی میزانی از رفاه را تجربه کرده‌اند اما بخاطر بسته بودن جامعه از نظر سیاسی ممکن است به سمت بی‌ثباتی و نهایتاً فروپاشی حرکت کنند.

از نظر شکلی نیز بنظر مهمترین نقطه قوت این کتاب نثر سلیس و روان نویسنده است که در کنار کمی اغلاط ویرایشی و نگارشی خواننده را به خوانش ادامه مطلب ترغیب می‌کند. هر نویسنده‌ای که متن کتاب را مطالعه کند بیشتر بر نقش بحران‌های مالی در فروپاشی و ماندگاری نظام‌های سیاسی پی می‌برد؛ این در حالی است که وقتی عنوان کتاب مطالعه می‌شود کاری با رویکرد بیشتر نظری به ذهن متبادر می‌شود. بنابراین عنوان کتاب برای تناسب بیشتر با محتوا می‌توانست بررسی مقایسه‌ای آثار و پیامدهای بحران مالی بر فروپاشی یا ماندگاری نظام‌های سیاسی در خاورمیانه و اروپا باشد. کتاب می‌تواند به دو بخش تقسیم شود: بخش اول کتاب به ابعاد نظری اختصاص داده شود و بخش دوم به بحث عملیاتی و مطالعات موردی معطوف شود. نقش مداخلات خارجی در تحقق یا عدم تحقق تحولات انقلابی در کشورهای منطقه مدنظر قرار گیرد به گونه‌ای که نویسنده به میزان بیشتری به نقش انگلستان، فرانسه و آمریکا در وقوع تحولاتی که در این منطقه رخ می‌دهد توجه نماید. همچنین نویسنده می‌تواند، کلیت منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را

در دستور کار قرار دهد و زیرسیستم های مختلف منطقه از جمله خلیج فارس، حوزه شامات، آسیای صغیر و شمال آفریقا را از هم متمایز کند و تحولات در این مناطق را تحلیل کند.

کتابنامه

- بشیریه، حسین (۱۳۹۵)، از بحران تا فروپاشی (کندوکاوی در ماندگاری و آسیب شناسی نظام های سیاسی، تهران: نگاه معاصر
- بشیریه، حسین (۱۳۹۴)، زمینه های اجتماعی انقلاب ایران، تهران: نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵)، «گذار بر دموکراسی از چشم انداز بسیج سیاسی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۱، صص. ۷۷-۴۷
- بشیریه، حسین (۱۳۸۳)، «نقش نخبگان در گذار به دموکراسی»، بازتاب اندیشه، شماره ۸۳
- بشیریه، حسین (۱۳۷۲)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۹)، «مدلی مفهومی برای ساخت نظریه های کاربردی در علوم اجتماعی: چگونه دنیای معنابخشی کارورزان و اندیشمندان را به هم پیوند دهیم؟»، فصلنامه علمی پژوهشی روش شناسی علوم انسانی، سال ۱۶، شماره ۶۴ و ۶۵، صص ۹۷-۱۲۵.
- قاسمی، علی اصغر و امامی میبدی، رضیه (۱۳۹۴)، «نقش و جایگاه مطالعات میان رشته ای در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور»، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره هفتم، شماره ۴، صص ۱۹-
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۲)، سیاستهای مقایسه ای، تهران: سمت.
- ملکوتیان، مصطفی، بقایی، خرم و نیری، هومن (۱۳۹۱)، «گونه شناسی نظریه های انقلاب، فصلنامه سیاست»، دوره ۴۱، شماره ۲، صص ۴۴۹-۴۳۳.
- مرادزاده، صدیقه و شاکری خوئی، احسان (۱۳۹۵)، «بحران دولت - ملت سازی و نقش آن بر شکل گیری و تکوین بنیادگرایی دینی در خاورمیانه (مطالعه موردی عراق و سوریه)»، مطالعات جامعه شناسی، سال هشتم، شماره سی و یکم، صص ۱۳۶-۱۲۳.